

## صحت صوم صبی

سیدعلی اسماعیل زاده\*

### چکیده

فقهای شیعه در طول تاریخ در حال بحث و اختلاف بوده‌اند که کیفیت عبادت برای کودک چگونه است، تا جایی که به دسته‌های متعدد تقسیم شده و نظرات متعارضی ارائه داده‌اند، که آثار و تفاوت‌های این فتاوا در عالم خارج بسیار چشمگیر و مهم است. آیا کودک می‌تواند عبادات مستحبی انجام دهد و آیا آن چه شارع به عنوان تمرین از کودک خواسته، تشریحی است بر خود او یا بر ولی او و آیا اعمال عبادی که انجام می‌دهد متصف به صحت خواهد بود و مأجور یا سود به ولی او می‌رسد و آیا پوچ و باطل است؟ هر دسته‌ای از فقهای نظرات و ادله خود را بیان داشته‌اند. در این پژوهش با بررسی داده‌های کتابخانه‌ای، نظرات فقهای شیعه در این موضوع بررسی شده است و نظری که ادله و آیات و روایات به حقانیت آن شهادت داده‌اند، برگزیده شده است. حاصل این است که حق با گروهی است که عبادات صبی را شرعی و متصف به صحت دانسته‌اند.

### کلمات کلیدی:

صوم صبی، صحت، ممیز، استحباب، ثواب

---

\* طلبة سطح یک مدرسه شهیدین (ره)



## مقدمه

در فقه شیعه برخی از موضوعها معرکه آراء هستند و فقها نظرات متعددی را اختیار کرده و به طرف مقابل با ادله نصی و عقلی تاخته و قلم فرسایی کرده‌اند اما بیشتر این مباحث فایده و ثمره خارجی که درخور تلاش فقها باشد به همراه نداشته و تاثیر چندانی در زندگی مسلمانان نگذاشته است. در بسیاری از مباحث فقهی همه یا بخش از فقها بر موضع واحدی اتفاق نظر یافته‌اند و اختلافات به حداقل رسیده است. همچنین در بسیاری از مباحث فقهی اختلافات مبنایی قابل توجهی وجود ندارد. این سبب شده است که ثمرات عملی آن مباحث، زمینه‌ساز تکثیر آراء و اختلافات اجتماعی نباشد و یا تاثیرات منفی قابل توجهی در زندگی فردی شیعیان به جا نگذارد. اما پاره‌ای موضوعات و مباحث به علل متعدده‌ای نتوانسته‌اند محلی برای توافق و اجماع فقها باشند و حتی بالاتر زمینه اختلافات مبنایی و گیج‌کننده افراد را فراهم ساخته‌اند. موضوع مقاله حاضر از دسته اخیر است. مبحث «صحت صوم صبی ممیز» در آن بخش از زندگی مسلمانان مطرح هست که سنگ بنا و پی ساختمان آنان شکل می‌گیرد، هر چه این سنگ بنا محکم‌تر باشد ساختمان هم ایمن‌تر خواهد بود.

سوال اصلی مقاله این است که آیا عبادتی که کودک ممیز قبل از بلوغ انجام می‌دهد شرعی هست یا خیر و متعلق ثواب پروردگار تعالی می‌باشد یا خیر؟

روایاتی که در این موضوع وارد شده‌اند بسیار متضاد و متعارض‌اند اما اشتراکشان این است که در عمده آن‌ها شارع مقدس ولی کودک را امر می‌کند که کودک خود را به تمرین اعمال عبادی نماز و روزه وادارد حال سوال اینجاست که آیا این امر به پدر شده و یا به فرزند؟

فقها در این رابطه نظرات متعددی اختیار کرده‌اند، نظر مشهور در سه گروه قابل دسته‌بندی است:

۱. برخی قائل به شرعی بودن و صحت عبادت صبی هستند.



۲. عده‌ای به شرعی نبودن عبادت صبی و صحیح نبودن آن عقیده دارند.

۳. گروهی نیز حکم به صحت عبادات صبی بدون شرعی بودن آن کرده‌اند. هر کدام از این ۳ دسته ادله متفاوتی اعم از قواعد اصولی، فقهی، عقلی و اعتقادی ارائه نموده‌اند.

تفاوت نظرات در حدی است که می‌تواند آسیب‌های فردی و اجتماعی عدیده‌ای به دنبال داشته باشد از جمله این که اگر کودک ماه‌ها روزه بگیرد و ما حکم به عدم صحت و عدم شریعت کنیم هیچ‌گونه ثوابی و قربی بر او نیست و گویا داشته بازی می‌کرده است. همین‌طور است درباره نماز، یا مثلاً حضور صبی در نقاط اتصال نماز جماعت، وقف‌هایی که برای روزه داران و نمازگزاران می‌شود آیا کودک می‌تواند از آن‌ها استفاده کند یا خیر؟ آیا ایستگاه شروع در اسلام برای کسب تقرب به خدا بعد از بلوغ است و قبل از آن هر عبادتی انجام دهد هر چند کامل باشد هیچ فایده‌ای ندارد؟ خساراتی که کودکان به بار می‌آورند آیا ضامن‌اند یا خیر؟ آیا آن‌ها از جانب شارع مورد خطاب و نصیحت قرار نگرفته و رها شده هستند؟ آیا می‌توانند پدر و مادر و دیگر افراد را آزار دهند یا هر حرام شرعی از جمله زنا، لواط، دزدی و غیره را انجام دهند و معاقب نباشند؟ یا بالاتر هیچ ارجحیتی هم برای ترک آن اعمال از سوی ایشان در شریعت اسلام وجود نداشته باشد؟ یا اینچنین نیست؟ تمام این‌ها سوالات و در واقع حالاتی است که پاسخ‌ها و نظرات متقابلی در پی دارد و همزمان تاثیراتش در یک جامعه امتداد دارد و چیزی تحیر برای جامعه و افرادش در پی ندارد. بنابراین در این مقاله به تجمیع این نظرات و ادله آن‌ها پرداخته و سعی کرده‌ایم با بررسی و ارزش‌گذاری این ادله و همچنین با در نظر گرفتن محاسنی که در تقابل با یکدیگر دارند بتوانیم نظریه افضل را اختیار کرده و به تحیر پایان دهیم.

در ابتدا باید بگوییم که تمام بحث‌هایی که در ذیل مطرح می‌شود در رابطه با امر استحبابی شارع می‌باشد و امر وجوبی شارع بر همگان واضح است که بعد از به بلوغ



رسیدن کودک، به او تعلق می‌گیرد. بنابر این تمام کلام راجع به وجود امر استحبابی بر کودک و عدم آن و کیفیت و چگونگی آن است.<sup>۲</sup> قبل از بررسی حالات، مقومات و مضعفات آنها به پاره‌ای مقدمات نیاز داریم تا فهم بهتری داشته باشیم.

### بحث اصولی

در اصول فقه مبحثی است تحت عنوان «آیا امر به امر کردن شخصی آیا امر به خود آن شخص است یا خیر». مثال بارزی نیز که عمده اصولیون برای این مبحث استفاده می‌کنند این است که هنگامی که خداوند به ولی کودک امر می‌کند که کودک را امر به روزه تمرینی کند، آیا شارع مستقیماً امر به فرزند کرده است یا خیر، متعلق امر پدر است؟

البته شکی نیست که صبی مامور به روزه داری است ولی بحث اینجاست که از جانب پدر مامور است یا از جانب شارع.

اصولیین در این جا دو دسته شده و چهار قول ذکر کرده‌اند که می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. دسته‌ای می‌گویند امر شارع مستقیماً به کودک تعلق می‌گیرد. به این دلیل که غرض شارع، صوم صبی است و پدر را فقط واسطه‌ای برای ابلاغ امر قرار داده است. حال برای آزمایش او یا پیشرفتش یا اغراض متعدده دیگر که از حوصله بحث خارج است.

۲. دسته دیگر می‌گویند وجوب بر مامور اول است که مامور ثانی را امر کند و این مهم حاصل نمی‌شود مگر با اتیان فعل از جانب مامور ثانی.

اما آنچه ظهور دارد احتمال اول است و طریقیت مامور اول. این در صورتی

۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی الشرح شرائع الاسلام، ج ۱۱، ص ۲۵۸



است که مصلحت قابل توجهی برای وجود مامور اول بیاوریم که ضروری بودن وجود او خالی از لطف نیست و باید با توجه به هر مورد تصمیم گرفت.<sup>۳</sup>

## مقدمات

۱. فقها احکام را از یک نظر به دو قسم تقسیم کرده‌اند: حکم تکلیفی و حکم وضعی.

حکم تکلیفی: یعنی وجوب، استحباب، حرمت، کراهت و اباحه. این پنج حکم به عنوان خمسه تکلیفیه خوانده می‌شوند و این‌ها همه از قبیل بکن و نکن یعنی از قبیل امر و نهی یا رخصت است.

حکم وضعی: از قبیل احکام خمسه نیست مانند طهارت، نجاست، زوجیت، مالکیت، شرطیت، سببیت، صحت، بطلان و امثال این‌ها.

۲. یکی از شرایط صحت روزه تمییز است گرچه بالغ نباشد و معنای تمییز این است که قوه‌ای داشته باشد که چنانچه اگر شرایط عبادت و اجزاء آن را برای او بیان کنند او به کمک آن قوه، فرق بین اجزاء و شرایط را بفهمد و بتواند فرق بگذارد (یعنی بتواند بفهمد که کدام چیز جزء عبادت است و کدام چیز، شرط آن است) و نیز فرق بین واجبات عبادت و مستحبات آن.

۳. فقهاء اختلاف کرده‌اند در این که آیا عبادت کودک، شرعی است (به این معنی که عبادتش مستند به امر و تکلیف استحبابی شارع است یعنی متعلق امر شارع این است و مستحق ثواب می‌باشد و شرعا از باب مثال داخل در اسم روزه‌دار است) یا این که شرعی نیست لکن تمرینی است یعنی فقط به جهت تمرین و عادت کردن به انجام عبادت است و تکلیفی از شارع به او متوجه نیست؟

۳. سید محمود هاشمی شاهرودی، بحوث فی علم الاصول، ج ۲، ص ۳۸۱

۴. علمای اصولی اختلاف دارند در این که آیا احکام وضعی هم مثل احکام تکلیفی مجعول شرعی است به طوری که به مجرد جعل و انشاء شارع، انتزاع معانی آنها صحیح باشد (بدون این که متوقف بر انشاء حکم تکلیفی باشد). مثلاً به محض این که شارع زوجیت و یا ملکیت را انشاء کرد، گفته شود: هذا ملک و هذه زوجة. یا این که احکام وضعی مجعول مستقل شرعی به آن نحو مذکور نمی باشند بلکه از احکام تکلیفی انتزاع شده و به تبع آنها مجعولند. مثلاً از «جواز تصرفات» که شارع آن را به عنوان حکم تکلیفی برای شخص جعل نموده است، معنایی انتزاع می شود مانند مالکیت شیء و یا مثلاً از ایجاب نماز در زمان دلوک شمس که یک حکم تکلیفی است در قول خدای متعال: «اقم الصلاة للدلوك الشمس الى غسق الليل»، معنایی انتزاع می شود مانند سببیت دلوک برای وجوب. پس مالکیت و سببیت احکامی وضعی هستند.

طرح محل نزاع به بیان مذکور، تعبیر متاخرین از علمای اصول است و اما قدمای ایشان تعبیرشان در طرح محل نزاع به گونه ای دیگر است و آن این که گفته اند: آیا حکم وضعی مشروط به تکلیف است که تا حکم تکلیفی نباشد، حکم وضعی هم نباشد یا اینکه مشروط به آن نمی باشد.

۵. این هم ناگفته نماند که فایده اختلاف در آن مسئله، در چند چیز ظاهر می شود: الف) چنان که اشاره کردیم، بنابر قول اول، ثواب عبادت به کودک می رسد و بنابر نظر دوم ثواب عبادت به ولی بچه می رسد.

ب) اگر کسی نذر کند که به شخصی که روزه شرعی بگیرد پولی بدهد، بنابر قول اول می تواند آن پول را به بچه ای که روزه گرفته بدهد و بنابر قول دوم نمی تواند به او بدهد.

ج) اگر کودکی وضو گرفت سپس بالغ شد، بنابر قول اول وضویش شرعی است و دیگر لازم نیست بعد از بلوغ وضو بگیرد. اما بنابر قول دوم، باید دو مرتبه بعد از



بلوغ وضو بگیرد.

د) بنابر قول اول شرط است که بچه تمام شرایط عبادت را انجام دهد ولی بنابر قول دوم شرط نیست.

## نظرات وارده

۱. عبادت بچه شرعی و صحیح است.

۲. عبادت بچه صرفاً تمرینی است.

۳. عبادت بچه صحیح است ولی مشروع نیست.

## تبيين نظرات فقها

**نظر اول:** روزه کودک هم صحیح است و هم شرعی که تفصیل آن به صورت ذیل

است:

۱. شیخ طوسی می‌گوید: صبی عاقل ممیز می‌تواند در نمازهای واجب یا مستحبی که می‌توان آن‌ها را به جماعت خواند، امامت کند و دلیل این حکم را اجماع شیعه و روایت (یمرن الصبی لسبع) می‌دانند.<sup>۴</sup> فقه شافعی هم این نظر را تایید می‌کند.<sup>۵</sup> و همچنین در مبسوط می‌گویند هرگاه کودک نیت روزه کند روزه او صحیح است و روزه او روزه کامل شرعی خواهد بود.<sup>۶</sup> و نیز در کتاب نهاییه می‌فرماید مستحب است که کودکان را به روزه گرفتن وادار کرد اگر به نه سال رسیده و طاقت روزه گرفتن دارند؛ اگرچه روزه گرفتن بر آن‌ها

۴. محمد بن حسن طوسی، الخلاق، ج ۱، ص ۵۵۳

۵. أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، المجموع شرح المذهب، ج ۴، ص ۲۴۹

۶. محمد بن حسن طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۲۷۸



واجب نیست.<sup>۷</sup>

۲. علامه حلی در کتاب تذکره<sup>۸</sup> می‌فرماید قول بهتر آن است که روزه کودکان مشروعیت دارد و از نظر شرعی صحیح است و نیت روزه از طرف آنان صحیح است البته باید نیت استحباب کنند.<sup>۹</sup>

۳. محقق حلی می‌فرماید نیت کودک ممیز صحیح است و روزه او مشروعیت دارد.<sup>۱۰</sup>

۴. شهید اول نیز در بعضی از کتاب‌های خود مشروعیت روزه کودک را پذیرفته و آن را مستحق ثواب و پاداش دانسته است.<sup>۱۱</sup> همچنین شهید اول می‌فرماید با وجود یک مرد و صبی یا یک زن و صبی هم می‌شود نماز جماعت خواند و این را اسناد می‌دهد به نقلی از ابن عباس.<sup>۱۲</sup> بنا بر این باید نماز صبی شرعی باشد تا جماعت محقق شود.<sup>۱۳</sup> البته او مسئله را به گونه‌ای مطرح کرده است که فقط ظهور در صحت دارد و در ادامه آن را بررسی خواهیم کرد.

۵. شهید ثانی نیز در شرح لمعه هنگام نقل تمییز به عنوان شروط صحت روزه، اشکالی بر آن وارد نمی‌کند و در مسالک نیز به همین طریق گویا نظر محقق را قبول دارد<sup>۱۴</sup> و البته در شرح لمعه در ادامه کلامش سخنی می‌گوید که مفهومش این است که او شرعی بودن را قبول ندارد یا تردید دارد به خاطر

۷. محمد بن حسن طوسی، النهایة، ص ۱۴۹

۸. حسن بن یوسف حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۳۳۱

۹. همان، ج ۶، ص ۱۰۱

۱۰. جعفر بن حسن حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۷۹

۱۱. محمد بن مکی عاملی، اللمعة الدمشقیة، ص ۲۶؛ همان، الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۲۶۸

۱۲. سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۹۱

۱۳. محمد بن مکی عاملی، ذکرى الشیعة فی احکام الشریعة ج ۴، ص ۴۲۸

۱۴. زین الدین بن علی عاملی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۵۰





آنچه که در ادامه بیان می‌کند.<sup>۱۵</sup>

۶. ابن ادریس می‌فرماید نماز بر مکلفین واجب است و نیز بر کسانی که خداوند حکم کرده مکلفان را بر تکلیف کردن آنها به صورت تمرین. بنابراین این بر صبی زیر شش سال مستحب است که روزه بگیرد و بالای شش سال بر او واجب است. که می‌توان از این کلام او برداشت کرد که روزه صبی را مشروع می‌داند و صحیح، البته باید درباره واجب دانستن روزه بعد از شش سال بحث شود که نظری بس شاذ است.<sup>۱۶</sup>

نظر دوم: دسته دوم فقها می‌گویند این امر شارع مستقیماً به ولی کودک تعلق گرفته است و نه کودک و ادله‌ای را بیان داشته‌اند. بنابر این روزه کودک فقط جنبه تمرینی داشته و هیچ‌گونه ثواب و عقابی نمی‌تواند بر آن مترتب باشد و مفسد و محاسن دیگری هم دارد که در ادامه بیان می‌شود. البته در این صورت کل حکم از صبی به ولی منتقل می‌شود و بر اوست که صبی را تمرین دهد و اگر کودک روزه گرفت ثوابی است برای پدر. فقهای که قائل به این نظریه عبارتند از:

۱. علامه عقیده دارد که فعل صبی تمرینی است و تکلیف شرط بلوغ را به دوش می‌کشد بنابراین شرط مفقود است و مشروط هم بالتبع مفقود.<sup>۱۷</sup>

۲. محقق کرکی در جامع المقاصد در شرح قواعد علامه حلی می‌فرماید صوم صبی صحیح است ولی به آن اشکالی وارد می‌کند که صوم صبی فقط برای محض تمرین است.<sup>۱۸</sup> همچنین از کلامات محقق مشخص است که روزه صبی را تمرینی می‌داند و قائل به شرعی بودن آن نیست زیرا اهمیتی به نوع

۱۵. زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهیة فی شرح المعتمد الدمشقی، ج ۱، ص ۵۷۱

۱۶. ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، ص ۳۵۶

۱۷. حسن بن یوسف حلی، مختلف، ص ۲۱۶

۱۸. علی بن حسین عاملی کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، ص ۸۲

نیت او نمی‌دهد و می‌گوید هرگونه خواست نیت کند حال وجوبا یا ندبا. و اگر هم قائل به صحت شویم که علامه حلی در قواعد این چنین می‌گویند، باید بگوییم این صحت، صحت تمرین است نه این که از باب شرعیت صحیح باشد.<sup>۱۹</sup>

۳. شهید ثانی: در ادامه بحث شرایط صحت روزه هم در مسالک و هم در روضه بیان می‌کنند که صبی در نیت مختار است وجوبا یا ندبا، وجوبا از باب تمرین و یا اصلا قصد وجه نکند بلکه فقط نیت کند. این فتوا حاکی از این است که شهید قائل به عدم مشروعیت و صحت است، زیرا اكمال نیت و معین کردن آن برایش اهمیتی ندارد چون روزه تمرینی است نه مشروع.<sup>۲۰</sup>

۴. ایضاح الفوائد نیز قول به عدم صحت روزه کودک را تقویت کرده است.<sup>۲۱</sup>

۵. صاحب الحدائق الناضرة روزه کودک را صحیح نمی‌داند همان‌طور که روزه مجنون به دلیل عدم قصد، صحیح نیست.<sup>۲۲</sup>

**نظر سوم:** گروهی دیگر از فقها به این نتیجه رسیده‌اند که تفصیل دهند به این صورت که عبادت کودک ممیز صحیح است ولی شرعی نیست.

شهید ثانی که طلایه‌دار این بحث است با وجود این که او را در هر سه گروه آورده‌ایم ولی از بین همه این سه نظر بیشتر به این نظر قرابت رای دارد زیرا نص متن او این نظر را تصدیق می‌کند، شهید ثانی می‌فرماید که صحت روزه از احکام وضعی

---

۱۹. علی بن حسین عاملی کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، ص ۱۲۰

۲۰. زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشی - کلاتر)، ج ۱، ص ۵۷۱؛ همان، ج ۲، ص ۵۰

۲۱. محمد بن حسن حلی، ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۴۳

۲۲. یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۳، ص ۱۶۵



است و احکام وضعی متوقف بر احکام تکلیفی نیستند، بنابراین هرچند که روزه تمرینی باشد ولی می‌توانیم حکم به صحت و فساد آن کنیم.<sup>۲۳</sup>

## ادله صاحبان سه نظر

### ۱. ادله شرعی و صحیح بودن صوم صبی

۱. امر به امر به شیء، امر به خود آن شیء است. در روایتی شارع به ولی کودکی امر استحبابی کرده است که کودک را امر به عبادت کند. روایت بدین قرار است:

«یعنی بچه‌ها را در هفت سالگی امر به نماز (و عبادات دیگر) کنید»<sup>۲۴</sup>

تکلیفی که متوجه ولی کودک شده به خود کودک نیز متوجه است. از این باب که مکلف کردن ولی کودک به امر به چیزی، تکلیف به آن چیز نیز هست به این معنی که ظاهر این که شارع مقدس ولی بچه را امر به تمرین دادن بچه کرده، این است که عبادت را از بچه می‌خواهد و مطلوب اوست پس تکلیف استحبابی از شارع به بچه نیز متوجه می‌شود و عبادت بچه موافق آن تکلیف و متعلق آن خواهد بود و همین است معنای شرعی بودن عبادت.

۲. اطلاق و عام بودن آیات و روایات:<sup>۲۵</sup> چنان‌که آقای بجنوردی در قواعد فقهیه خود گفته‌اند که تکالیف وجوبی به بلوغ تخصیص خورده‌اند ولی تکالیف مستحبی نه عقلا و نه شرعا چنین تخصیصی ندارند.<sup>۲۶</sup>

۳. اطلاق آیات و روایاتی که دال بر استحباب عملی هستند مانند آیه زیر:

۲۳. زین الدین بن علی عاملی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۷۰

۲۴. «مروهه بالصلاة لسبع» (محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۳۴)

۲۵. محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ج ۶، ص ۴۲

۲۶. سید حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۱۱۲

«هر کس یک عمل نیک انجام دهد ده برابر به او پاداش داده می‌شود.»<sup>۲۷</sup>

یا روایتی که در وسائل آمده که ثواب روزه روز غدیر برابر با روزه شصت ماه است که در این منابع مستقیماً اشاره شده به این که هرکسی که این اعمال را انجام دهد مجزی است.<sup>۲۸</sup>

۴. روایاتی که مستقیماً امر به روزه گرفتن کودکان می‌کنند و فقها بنا به دلایلی آن‌ها را که ظهور در وجوب دارند حمل بر استحباب می‌کنند:

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَحْلَبٍ عَنِ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصِّيَامِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ.»<sup>۲۹</sup>

۲. «عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّيَ قَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ - قُلْتُ مَتَى يَعْقِلُ

الصَّلَاةَ وَ تَجِبُ عَلَيْهِ قَالَ لَسْتُ سَنِينَ.»<sup>۳۰</sup>

۵. احادیث و فتاوایی که دلالت بر صحت امام جماعت شدن کودک دارند:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ: عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا بَأْسَ بِالْغُلَامِ الَّذِي لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُمَ أَنْ يُؤَمِّمَ

الْقَوْمَ، وَ أَنْ يُؤَدِّنَ.»<sup>۳۱</sup>

شیخ طوسی می‌گوید صبی عاقل ممیز می‌تواند در نمازهای واجب یا مستحبی که می‌توان آن‌ها را به جماعت خواند، امامت کند و دلیل این حکم را اجماع شیعه و روایت «یمرن الصبی لسبع» می‌داند.<sup>۳۲</sup>

۲۷. «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَلِهَا...» (انعام: ۱۶۰)

۲۸. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۱

۲۹. همان، ج ۱۰، ص ۲۳۴

۳۰. همان، ج ۴، ص ۱۹

۳۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰

۳۲. محمد بن حسن طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۵۵۳



۶. روایتی که بر صحت صدقه و هبه کودک دلالت دارد:

«وَرَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِذَا  
 أَتَى عَلَى الْغُلَامِ عَشْرُ سَنِينَ فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَهُ فِي مَالِهِ مَا أَعْتَقَ أَوْ تَصَدَّقَ وَأَوْصَى  
 عَلَى حَدِّ مَعْرُوفٍ وَحَقِّ فَهُوَ جَائِزٌ.»<sup>۳۳</sup>

صاحب حدائق هم این روایت را نقل می‌کند و بنابراین به شرعیت صوم صبی فتوا

می‌دهد.<sup>۳۴</sup>

۷. عقل: صاحب مدارک می‌گوید صحت و بطلان که به موافقت و مخالف امر شارع تعلق می‌گیرد نیازی به تکلیف ندارد و امری کاملاً عقلی می‌باشد و عقل آن را درک می‌کند و ابن حجب و برخی دیگر نیز به این اشاره کرده‌اند. عقل ابایی ندارد از این که خطاب شارع به صبی ممیز تعلق بگیرد نه از جهت امور واجب و محرم بلکه امور ندبی و حدیث رفع القلم را می‌توانیم اختصاص بدهیم به بالغ. با این فرض مانع عقلی و شرعی نداریم.

حتی صاحب مدارک این‌گونه ادعا می‌کند که حتی اگر بگوییم اطلاق شرعی بودن حکم، صبی ممیز را شامل می‌شود، گزاف نیست، زیرا آنچه که شرط تکلیف است، فهم خاص تکلیف است که صبی واجد آن است و هر کس قائل به مازادی بر این شرط است و این را ناقص می‌داند، دلیل خود را ارائه کند.<sup>۳۵</sup>

و همچنین آقا سید حسن بجنوردی می‌فرمایند:

«عقل انجام برخی واجبات را در حق همه افراد واجب می‌داند و فرقی بین بالغ و غیربالغ نمی‌داند. مانند: حفظ جان، رد امانت و ... همچنین هرکس این واجبات را اتیان کند مستحق پاداش است چه سن او به سن بلوغ رسیده

۳۳. محمد بن علی بن بابویه، الفقیه من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۹۷

۳۴. یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱۳، ص ۵۵

۳۵. محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۶، ص ۴۲



باشد یا مقداری از این سن کم باشد. بنابراین کودک غیربالغ در ازای انجام این واجبات مستحق پاداش و ثواب می‌گردد و از این مطلب مشروعیت و استحباب این واجبات در حق کودک اثبات می‌شود و چون نمی‌توان در استحباب داشتن بین واجبات تفاوت قائل شد، باید گفت که همه واجبات در حق کودک استحباب دارد.<sup>۳۶</sup>

## ۲. ادله ترمینی صرف بودن صوم صبی

۱. حدیث رفع: تکلیف شرعی مطلقاً (حتی استحبابی) مشروط به بلوغ است. روایت داریم که قلم تکلیف از بچه برداشته شده تا وقتی که بالغ شود و این حدیث شامل تکلیف استحبابی نیز هست. پس وقتی بلوغ نبود تکلیف نخواهد بود. پس بچه اگر عبادتی انجام دهد فقط جهت ترمینی دارد و برای عادت کردن خواهد بود.<sup>۳۷</sup>

۲. صحت عبادات کودک نیازمند امر شارع مقدس است و اصل این است که امر به عبادات کودک تعلق نگرفته است. این دلیل پذیرفته نیست زیرا طبق ادله صحت عبادات کودک، اثبات شد که عبادات کودک دارای اوامر استحبابی می‌باشد و به عنوان اعمال مستحبی برای کودک ثابت است. و گفته‌اند حکم وضعی تابع حکم تکلیفی است و از آن انتزاع می‌شود چنان‌که از سببیت نیز مثال زدیم. همچنین مثل صحت که یکی دیگر از احکام وضعی شمرده‌اند و به معنای موافقت با امر و تکلیف شارع است، اگر تکلیفی نباشد موافقت با آن تحقق پیدا نمی‌کند. حکم نشده پس صحتی هم مترتب نمی‌شود.<sup>۳۸</sup> پس اگر کسی این قول را اختیار کند چنان‌چه عبادت بچه را صحیح بداند و صحت یک حکم وضعی است، باید آن را شرعی هم بداند چون

۳۶. سید حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۱۱۵

۳۷. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۲۳

۳۸. حسن بن یوسف حلّی، مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۲۵۶



شرعی بودن یعنی تکلیف شارع به عبادت بچه متوجه است. بدین ترتیب تحت نظر اول قرار می‌گیرد.

۳. امر به امر به شیء امر به خود آن شیء نیست: گفته‌اند قبول نداریم که اگر شارع ولی بچه را مکلف کند تا صبی را به عبادت امر کند، این مکلف کردن خود بچه نیز باشد و بر فرض آن را قبول کنیم می‌گوییم نسبت به بچه، امر تمرینی است نه تکلیفی. و وقتی تکلیف نبود شرعی نخواهد بود. چون شرعی آن است که مستند به امر تکلیفی باشد نه تمرینی.

### ۳. ادله گروه سوم

۱. این گروه عقیده دارند که حکم وضعی مشروط به تکلیف نیست و روی این مبنا فتوا داده‌اند که اگر بچه و یا دیوانه مال کسی را تلف کند ضامن است و ضمان حکم وضعی است که شارع مقدس در حدیث «من اتلف مال الغير فهو ضامن»<sup>۳۹</sup> آن را مستقلاً جعل کرده که شامل دیوانه و بچه نیز می‌شود با این‌که تکلیف و حکم تکلیفی برای آن‌ها ثابت نیست چون بلوغ و عقل ندارند. و اما قائلین به قول اول می‌گویند ضمان برای بچه و دیوانه نیست بلکه ضمانش معلق به تکلیف و بعد از بلوغ است. طبق این بیان به سادگی و بدون دردسر می‌توانیم بین صحت و مشروعیت حکمی تفاوت بگذاریم.

### نتیجه گیری

در ابتدا به نظریه دوم می‌پردازیم که اشکال‌های متعددی به آن وارد شده است و تقریباً شکی بر ابطال این نظریه نیست. بهترین دلیل که پیروان این نظریه ادعا کرده‌اند



حدیث «رفع القلم» است که در جواب این طور می‌گویند: حدیث رفع یک حکم امتنانی و از باب این‌که لطفی بر صبیان و غیرش باشد آمده است. اما اگر بگوییم اعمال مستحبی کودک میمیز شرعی و صحیح نیست، مخالفت با قاعده لطفی است که مبنای حدیث رفع است.<sup>۴۰</sup> و گذشته از این‌ها به سادگی می‌توان از این حدیث چنین برداشت کرد که فقط از باب پوشاندن و بخشیدن کارهای غلط صبی آمده است و گرنه اعمال خوب آن‌ها که نیازی به پوشاندن ندارد.

در رد این که حکم شرعی چه وجوباً و چه ندباً با تکلیف وارد می‌شود هم ادله دوم و سوم نظریه اول که عده‌ای از آیات و روایات بود و ظهور در ثبوت امر مستحبی بر صبی داشت کفایت می‌کند.

قائلین به نظریه دوم دلیل محکمی برای واسطه نبودن ولی صبی در امر شارع اقامه نکرده‌اند و مادامی که دلیل خاصی بر آمریت مأمور اول نداشته باشیم او واسطه است. درباره نظریه سوم مقصود شهید ثانی این است که تکلیف استحبابی به بچه میمیز متوجه است و به خاطر انجام روزه ثواب خواهد برد و داخل در اسم صائم می‌باشد. این سخن بنا بر این مبناست که احکام وضعی مشروط به تکلیف نیستند. بنابراین می‌فرماید ممکن است بگوییم عبادت بچه صحیح است اما شرعی نیست. سپس در دلیل این‌که چگونه می‌شود بین صحت و شرعی بودن فرق گذاشت، می‌فرماید به جهت این‌که صحت، یک حکم وضعی است و حکم وضعی را مشروط به تکلیف نمی‌دانیم. پس حکم به صحت عبادت بچه مستلزم شرعی بودن آن نخواهد بود.

پس بهتر است که بگوییم عبادت بچه «صحیح تمرینی» است نه «صحیح شرعی»، به دلیل این‌که تکلیف حتی تکلیف استحبابی متوجه به بالغ است نه غیر بالغ و آن تکلیفی که در مسئله می‌باشد به ولی بچه متوجه نمی‌باشد.

۴۰. ابوالقاسم خویی، مصباح الففاهه، ج ۳، ص ۲۴۲





## اشکال بر شهید ثانی در صحت عبادت صبی

در این جا بر شهید ثانی که عبادت صبی را صحیح و غیر شرعی می‌داند، اشکالی وارد می‌شود و آن این که گفته‌اند معنای صحت در عبادت یکی از این دو معناست:

۱. مطابقت عمل با تکلیف و امر شارع

۲. سقوط قضا

و هر کدام از این دو معنی مقصود باشد مستلزم آن است که تکلیفی وجود داشته باشد، اما معنای اول زیرا تا تکلیفی نباشد مطابقت با آن تحقق نمی‌یابد و اما معنای دوم زیرا تا تکلیف متوجه انسان نباشد قضا نیست تا انجام دادن آن تکلیف ساقط شود. و خلاصه این که وقتی صحت، مستلزم وجود تکلیف بود پس عبادت شرعی خواهد بود پس صحت مستلزم شرعی بودن است چنان که رای مصنف بود. پس چگونه شارح بین صحت و شرعی بودن تفاوت گذاشته است.<sup>۴۱</sup>

### پاسخ:

از این اشکال ممکن است جواب دهیم به این که گویا شهید ثانی قبول دارد که صحت به معنای مطابقت با تکلیف شارع است ولی در این جا غرضش مطابقت با آن تکلیفی است که متوجه ولی بچه است و یا آن تکلیفی که متوجه بالغین است. و شاید هم مقصود از صحت در این جا ترتب اثر باشد و در مورد بحث، اثر همان مثلاً خروج ولی بچه از عهده تکلیف به تمرین بچه خواهد بود. یعنی وقتی که بچه عبادت را انجام داد صحت آن به این معنی است که تکلیف به تمرین دادن بچه از گردن ولی ساقط می‌شود و این جواب را بعضی از محققین در توجیه عبارت شارح گفته‌اند. که البته این ادعایی است که نیاز به اثبات دارد و تا استدلال نیاید ما نمی‌توانیم نظریه

۴۱. جعفر سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، ص ۸۱



سوم را ترجیح دهیم.

در نتیجه با توجه به شهرت مسئله نزد فقهای شیعه و استدلال‌های متعدد، نظر اول را مختار می‌دانیم و بنابر این روزه کودک ممیز هم شرعی می‌باشد و هم صحیح زیرا:

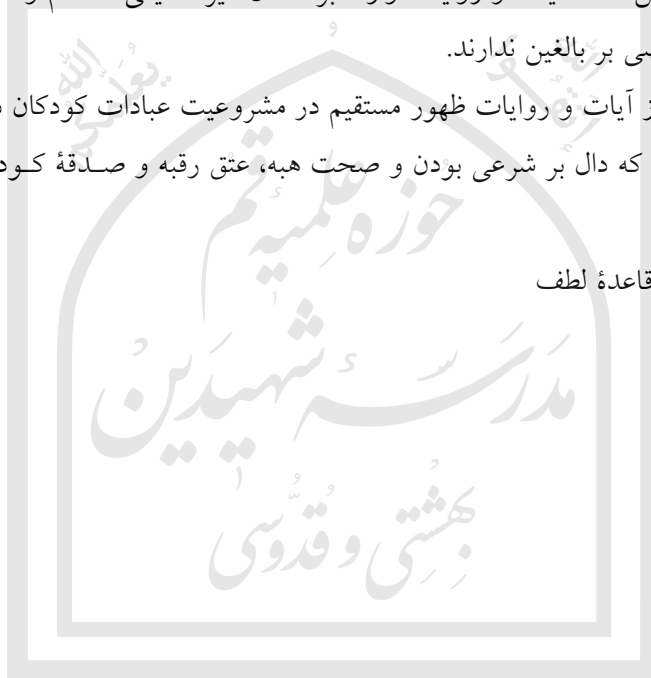
۱. تکالیف وارد شده عام و مطلق هستند و به بالغین تخصیص نمی‌خورد. فقط تکالیف وجوبی مختص به بالغین می‌شود.

۲. هم چنین است آیات و روایات وارده بر اعمال غیر تکلیفی که عام و مطلق‌اند و تخصیصی بر بالغین ندارند.

۳. برخی از آیات و روایات ظهور مستقیم در مشروعیت عبادات کودکان دارد.

۵. روایاتی که دال بر شرعی بودن و صحت هبه، عتق رقبه و صدقه کودک می‌باشد.

۴. عقل و قاعده لطف



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، *السرائر*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۰ه.ق.
۳. ابوداود، سلیمان بن اشعث، *سنن أبي داود*، مصر - قاهره، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۰ه.ق.
۴. بجنوردی، محمدحسن، *القواعد الفقهیه*، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ه.ق.
۵. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، قم، جامعه المدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۵ه.ق.
۶. حرعاملی، محمد بن الحسن، *وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۷. حلی، جعفر بن الحسن، *شرايع الاسلام*، تهران، انتشارات استقلال، بی جا، ۱۴۰۹ه.ق.
۸. حلی، جعفر بن حسن، *مختصر النافع*، تهران، مؤسسه البعثت، بی جا، ۱۴۱۰ ه.ق.
۹. حلی، حسن بن یوسف، *تذکرة الفقهاء*، مکتبه الرضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، قم، بی جا، بی تا.
۱۰. حلی، محمد بن الحسن، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۷ه.ق.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *مختلف الشیعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۲. خمینی، سید روح الله، *المکاسب المحرمة*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۳. خوبی، ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، نجف، انتشارات قدیر، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ه.

ش.

۱۴. سبحانی، جعفر، **الموجز فی اصول الفقه**، قم، مؤسسة الامام الصادق، چاپ بیست و پنجم، ۱۴۳۹ه.ق.
۱۵. شاهرودی، سید محمود، **اضواء و آراء؛ تعليقات على كتابنا بحوث فی علم الأصول**، قم، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۳۱ ه.ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، **الخلاف**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، **المبسوط**، بی جا، المكتبة المرتضوية، چاپ اول، ۱۳۸۷ه.ق.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، **النهاية**، بیروت، دارالاندلس، بی تا.
۲۰. عاملی، زین الدین بن علی، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم، انتشارات داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ه.ق.
۲۱. عاملی، زین الدین بن علی، **مسالك الافهام**، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۲. عاملی، سید محمد، **مدارك الاحكام**، قم، انتشارات مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۰ه.ق.
۲۳. عاملی، محمد بن مکی، **اللمعة الدمشقیة**، قم، انتشارات دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۱ه.ق.
۲۴. عاملی، محمد بن مکی، **ذکری الشیعة فی احکام الشریعة**، قم، مؤسسة آل - البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ه.ق.
۲۵. کرکی، علی بن حسین، **جامع المقاصد**، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول،

۱۴۰۸ ه.ق.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه.ق.
۲۷. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، تهران دارالمکتبة الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ه.ش.
۲۸. النووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف، *المجموع شرح المہذب*، مصر - قاهره، دارالفکر، بی جا، بی تا.

